رهبر انقلاب امروز با مردم سخن خواهند گفت

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی، همزمان با روز جهانی کارگر و روز معلم، امروز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ساعت ۱۸ به صورت زنده از طریق شبکه‌های رسانه ملی با مردم سخن خواهند گفت. این سخنرانی همزمان از سایت Khamenei.ir، شبکه یک سیما، شبکه خبر و رادیو سراسری نیز پخش خواهد شد.

اسحاق جهانگیری در ماه‌های واپسین دولت دوازدهم به‌جای پاسخگویی و عذرخواهی از مردم به‌خاطر ناکارآمدی‌ها به منتقدان حمله کرد، ادبیات توهین‌آمیزی علیه منتقدان به کار برد و تنها راه نجات کشور را ادامه حضور اصلاح‌طلبان در دولت دانست!

بی‌مسؤولیت

یونس مولایی: «اگر ما رای ندهیم، مافیا روی کار می‌آید»، «یکی از ضعف‌های دولت لکنت زبان است، شرم می‌کنیم دستاوردهای‌مان را بگوییم»، «دخالت دیگران باعث سقوط بورس شد»، «در بیان اشکالات دولت قبل کوتاهی کردیم»، «یک عده نمی‌گذارند مردم از منافع برجام برخوردار شوند»، «برادر من در دوران ریاست‌جمهوری دکتر احمدی‌نژاد مدیر بوده است»، «گرانی‌ها نتیجه تصمیم‌گیری‌های خارج از دولت است»، «در سال ۹۶ و در تبلیغات کاغذ سفیدی به مردم نشان دادم و گفتم زندگی شخصی من مانند این کاغذ پاک است»، «در سال ۹۶ برای رئیس‌جمهور شدن کاندیدای انتخابات نشدم»، «نگفته‌ام [در انتخابات] نمی‌آیم، می‌گویم تابع خرد جمعی و دوستان هستم»؛ اینها تنها بخشی از ادعاهای پرسروصدای معاون اول رئیس‌جمهور در جریان حضور در یکی از اتاق‌های مجازی در جمعه شب بود.

به گزارش «وطن‌امروز»، اسحاق جهانگیری بیش از آنکه به خاطر ۸ سال معاون اولی روحانی شناخته شود با خاطرات مناظره‌های انتخاباتی سال۹۶ به خاطرها می‌آید؛ کاندیدای پرسروصدایی که بیش از همه کاندیداهایی که در ادوار مختلف انتخابات انصراف داده‌اند از کناره‌گیری خود پیش از روز رای‌گیری آگاهی داشت و با کارویژه «کاندیدای پوششی» برای دفاع از رئیس خود پا به میدان مناظرات گذاشته بود. در همان ایام نیز یکی از احتمالاتی که پیرامون علت حضورش طرح می‌شد عدم اطلاع دقیق رئیس‌جمهور از آمارهای اقتصادی کشور بود؛ عدم اطلاعی که قرار بود با حضور در صحنه جهانگیری جبران شود. بر همین مبنا هم جهانگیری خود را سپر روحانی در مقابل انتقادات دیگر کاندیداها می‌کرد و سعی داشت ضمن پاسخ‌های تند و وعده‌های عجیب (همانند رفع فقر مطلق تا پایان سال ۱۴۰۰)، هم از روحانی دفاع کند و هم مانع آن شود که ادعاهای بزرگ انتخاباتی از زبان رئیس‌جمهور مستقر بیان شود. او از مردم می‌خواست کمبود کره، عدم ثبات نرخ ارز، گرانی لحظه به لحظه کالاها، صف‌های خرید سکه و... را به یاد بیاورند و به دولت روحانی مجددا اعتماد کنند. اما این پایان کار نبود و بسیاری از چهره‌های نزدیک به دولت حضور تشریفاتی او در انتخابات ۹۶ را به عنوان مقدمه‌ای برای حضور در انتخابات ۱۴۰۰ طرح کردند. از همین رو رسانه‌های اصلاح‌طلب پا به پای تصویرسازی‌های انتخاباتی از روحانی، او را نیز مورد توجه قرار دادند و سعی کردند با طرح گزاره «وارث روحانی» ۲۴ میلیون رای روحانی در انتخابات سال۹۶ را پیشاپیش در صندوق انتخاباتی سال ۱۴۰۰ ذخیره کنند. با این حال همه چیز باب میل حامیان روحانی جلو نرفت تا دولت او نسخه جهش‌یافته تمام چیزهایی باشد که جهانگیری روزگاری به پیشینیان خود نسبت می‌داد. جهش ۱۰ برابری نرخ ارز، تورم بیش از ۶۰ درصدی اقلام خوراکی، کمبود کالاهای اساسی، صف‌های خرید مرغ، تشدید تحریم‌های خارجی و... تبدیل به نتیجه نهایی دولت دوازدهم شد. دیگر نیاز چندانی به یادآوری شعارهای دولت برای نشان دادن شکاف میان وعده و عمل روحانی نبود، تنها پخش سخنان جهانگیری در مناظرات سال ۹۶ کفایت می‌کرد تا مردم شکاف موجود در تصویرسازی‌های دولت با تصاویر واقعی کشور را متوجه شوند. در این میان البته عده‌ای از چهره‌های اصلاح‌طلب نیز کوشش می‌کردند با خاطرنشان کردن وضعیت موجود به جهانگیری از وی بخواهند با استعفا از معاون اولی رئیس‌جمهور بیش از این مانع لکه‌دار شدن وجهه خود نشود؛ استعفایی که چند بار در سرخط اخبار نیز طرح شد اما در نهایت با تکذیب جهانگیری مواجه می‌شد. با مجموعه این اوصاف، علت حضور جهانگیری در سخنرانی مجازی جمعه‌شب را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ آیا او در تلاش بود تا از آخرین فرصت‌هایش در حمایت از رئیس خود بهره ببرد؟ آیا همانند باقی چهره‌های دولتی تلاش کرد با نسبت دادن مشکلات کشور به دیگر نهادها و ارگان‌ها از قوه مجریه سلب مسؤولیت کند؟ آیا او در میان افکار عمومی حاضر شد تا تنها حاضری بزند و مانع فراموش شدن خود در سالی شود که روزگاری کسب آرا در آن را حتمی می‌شمرد؟

■ زنگ کلاب هاوس دولت

در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن نیز نمی‌توان چشم بر این واقعیت بست که نفس حضور و سخنان مطرح شده از سوی جهانگیری در کلاب هاوس را باید در نسبت با انتخابات ۲۸ خردادماه دید. اصلاح‌طلبان در هفته‌های گذشته نشان داده‌اند کلاب هاوس را به رغم ناشناخته بودنش برای بسیاری از مردم به عنوان شبکه اجتماعی اصلی خود در روزگار کرونایی فعلی انتخاب کرده‌اند و سعی دارند با وارد کردن نوبتی چهره‌های دولت و اصلاح‌طلبانی که در ظاهر امر با دولت زاویه پیدا کرده‌اند تاثیرشان را در فضای انتخاباتی پیش رو افزایش دهند. پیش از این ظریف، فائزه هاشمی و مصطفی تاجزاده ۳ چهره دیگری بودند که با حضور در این فضا و طرح ادعاهای جنجالی سعی کرده بودند از فشار اجتماعی به دولت و اصلاح‌طلبان در آستانه سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری بکاهند. بر همین اساس می‌توان این احتمال را مطرح کرد که اصلاح‌طلبان در روزها و هفته‌های آتی سرمایه‌گذاری بیشتری بر بستر کلاب هاوس داشته باشند تا با گفت‌وگوهای کنترل شده بعدی در پوشش پاسخگویی به سوالات افکار عمومی، گزاره‌های خود را در فضای سیاسی کشور تثبیت کنند.

با این اوصاف شاید تحلیل فرامتنی حضور معاون اول رئیس‌جمهور به عنوان چهره‌ای که همگان او را در کنار روحانی به خاطر می‌آورند بیش از پرداختن به تک‌تک گزاره‌های طرح شده از سوی وی اهمیت داشته باشد. بر همین اساس مهم‌ترین نکات پیرامون اظهارات جهانگیری را به شرح زیر می‌توان بررسی کرد.

۱ جهانگیری پیش از هر چیز کوشید از اعتبار ایده دولت در افکار عمومی دفاع کند و مانع سقوط بیش از پیش ایده غربگرایان در خردادماه شود. دولت یازدهم کار خود را با وعده «ابروعده» رفع تحریم‌ها آغاز کرد و این تصور را در اذهان عمومی ایجاد کرد که با تحقق این «ابروعده» می‌توان سایر وعده‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را نیز محقق کرد. از همین رو پس از برجام و با استناد به وجود چنین توافقی و در شرایطی که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال۹۶ نیز دستاورد ملموسی نداشتند موفق به کسب آرای عمومی شدند. جوانمرگی برجام و نمایان شدن عمق آسیب‌پذیری‌اش عملا بخش قابل توجهی از اعتبار سیاسی غربگرایان را از بین برد. مواضع جهانگیری تا حدی تلاش برای زنده نگه داشتن این ایده به حساب می‌آمد که کماکان می‌توان با پیوند زدن تمام مشکلات به مذاکرات خارجی در فضای داخلی اندوخته سیاسی کسب کرد. بر همین اساس، او در بخشی از سخنانش ادعای روحانی مبنی بر مشروط بودن وعده‌های انتخاباتی به اوضاع اقتصادی سال ۹۵ را تکرار کرد و گفت: «در سال ۹۶ برای رئیس‌جمهور شدن کاندیدای انتخابات نشدم. فعل‌هایی که در آن زمان به کار می‌بردم مربوط به گذشته است و فرض بر این بود که دولت دوازدهم استمرار کار دولت یازدهم باشد و برجام ماندنی است و با همین تورم یک‌رقمی به کار خود در دولت دوازدهم ادامه می‌دهیم».

۲ با افول اعتبار سیاسی دولت دوازدهم، اصلاح‌طلبان نیز گام به گام از دولت فاصله گرفتند تا هزینه حمایت از روحانی بیش از این به کاهش محبوبیت‌شان منتهی نشود. در این میان هر قدر که آنها از دولت اعلام برائت می‌کردند چهره‌هایی از دولت وابستگی اصلاح‌طلبان به دولت را بیش از پیش یادآوری می‌کردند که جدی‌ترین مورد آن را می‌توان محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور دانست که از طلبکار بودن اصلاح‌طلبان پس از دریافت سمت‌های سیاسی انتقاد کرده بود. بخشی از مواضع اخیر جهانگیری را می‌توان تلاش برای دلجویی از اصلاح‌طلبانی دانست که عامدانه در تلاش هستند تا میان خود و دولت فاصله‌گذاری کنند. از همین رو معاون اول رئیس‌جمهور با صراحت دوگانه دولت- مافیا را به عنوان اسم رمزی از تعریف رقیب در انتخابات خردادماه مقابل اصلاح‌طلبان می‌گذارد و می‌گوید: «اگر به زبان جوانان سخن بگویم باید گفت که شهروندان در کنار صندوق رای یکدیگر را می‌شناسند و اگر کنار هم جمع نشوند شهر سقوط می‌کند. راهی جز جمع شدن در کنار صندوق‌های رای برای توسعه کشور، اصلاح امور و حفاظت و حراست از شهر و کشور وجود ندارد. نباید شهر را به مافیا واگذار کنیم. اجازه ندهیم کسانی که به رای مردم احترامی نمی‌گذارند رای بیاورند. نباید جریان تحول‌خواه و خواهان توسعه کشور انتخابات را تحریم کنند و باید دانست که تحریم اقتصادی از دل تحریم انتخابات و ناهماهنگی‌های انتخاباتی بیرون می‌آید. اگر سال ۸۴ دقیق عمل می‌کردیم پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت نمی‌رفت و نیروهای مخالف ایران جسور نمی‌شدند. انتخابات تنها راهی است که می‌توان حرف مردم را به کرسی نشاند».

۳ در نهایت مهم‌ترین نکته‌ای که درباره اظهارات جهانگیری باید به آن توجه داشت ترسیم نقشه انتخاباتی برای سال ۱۴۰۰ است. پیش از این «وطن‌امروز» در گزارش‌های تفصیلی به ۲ رویکرد «رادیکالیسم پیشاانتخاباتی» به‌عنوان استراتژی غربگرایان برای مقابله با تشتت بدنه اجتماعی‌شان و در نهایت پیگیری «دوقطبی‌سازی فضای سیاسی» برای خارج شدن عملکرد دولت از میدان بحث‌های انتخاباتی پرداخته بود. بر همین مبنا می‌توان عمده اظهارات جهانگیری را گامی در راستای همین ۲ استراتژی دانست. جهانگیری از سویی با طرح ادعاهای رادیکال سعی کرد بدنه سرخورده اصلاح‌طلبان را بار دیگر با خود همراه و همدل کند و از سوی دیگر تلاش کرد مجددا با طرح دوگانه‌های موهوم و رقیب‌هراسی آشکار فضای سیاسی کشور را به سمتی هدایت کند که مطلوب غربگرایان است. هر چند آنچه در گفتار جهانگیری مشهود بود سلب مسؤولیت از دولت و منتسب کردن مشکلات به مجلس، دیگر قوا، رقبای سیاسی و دولت آمریکا است اما بار دیگر فضایی دوقطبی را ترسیم کرد که در آن دیگرانی(!) اجازه موفقیت دولت را نداده‌اند.

■ امید به فراموشی

جهانگیری در اظهارات جدیدش حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ را به شکل ضمنی تایید کرد و گفت: «راجع به کاندیدا شدن تصمیم من بر نیامدن است و هنوز بر این تصمیم مصر هستم. نگفته‌ام که نمی‌آیم، می‌گویم تابع خرد جمعی و دوستان هستم». سخنانی که شاید بتوان در پس هر نیامدنش آمدنی را جست. با این حال فارغ از آنکه جهانگیری به عنوان کاندیدای نهایی یا یکی از کاندیداهای غربگرایان در انتخابات خردادماه حاضر شود یا نشود، اظهاراتش را می‌توان به عنوان شاهدمثالی از رویکرد سیاسی پیشاروی اصلاح‌طلبان تا انتخابات ریاست‌جمهوری به حساب آورد. اگر تا چند ماه پیش بسیاری نسبت به تلاش حداکثری اصلاح‌طلبان و خیز برنامه‌ریزی شده‌شان برای تصرف مجدد پاستور شک داشتند اکنون این شک از میان رفته است و به شکل واضحی می‌توان شاهد فعالیت آنها بود.

غربگرایان که بخوبی از پاشنه آشیل خود -عملکرد دولت- در انتخابات پیش رو آگاهی دارند، در روزها و هفته‌های آینده باز هم بر مدار جهانگیری جلو خواهند رفت و سعی می‌کنند با طرح مواضع رادیکال و تقویت دوقطبی‌هایی که در انتخابات‌های قبلی از آن بهره برده بودند، ضمن تقویت بدنه اجتماعی سرخورده‌شان، فضا را به سمتی ببرند که عملکرد دولت از دایره لغات و موضوعات انتخاباتی حذف شود. در این میان خطرناک‌ترین سناریو برای جریان انقلابی پیشاپیش پیروز تصور کردن خود در انتخابات و چشم بستن بر طراحی صحنه غربگرایان است. واقعیت امر آن است که غربگرایان بیش از هر چیز به تشتت و عدم همراهی نیروهای انقلابی با یکدیگر چشم بسته‌اند تا از طریق آن بتوانند با طرح گزاره‌های رادیکال و احیای دوقطبی‌هایی در مصادیقی مانند سیاست خارجی، حضور خود در پاستور را ۴ سال دیگر تمدید کنند. فراموشی عملکرد دولت، برجسته شدن طرح بحث‌های فرعی و متعاقبا احیای دوقطبی‌ها تنها فرمولی است که می‌تواند دولت روحانی را در پوشش یک رئیس جدید تمدید کند.

اظهارات ظریف چگونه منافع ملی و متحدان ایران را هدف گرفت

نه این تاریخ شفاهی است و نه آن دیپلماسی!

روح‌الله مدبر
کارشناس مسائل روسیه

۱- شخصا معتقدم فایل صوتی منتشرشده از وزیر امور خارجه و اصل این گفت‌وگو، یک پاس گل از جانب آقای ظریف به جریان غربگرا برای زدن گل به دروازه منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بود. در این میان البته آقایان ادعا دارند این مصاحبه یک تاریخ و سند شفاهی است که قرار بوده محرمانه باشد، با این حال یا دوستان نمی‌دانند تاریخ شفاهی چیست یا دارند مواضع رسمی‌شان را تغییر می‌دهند. البته باید امیدوار بود نیت، همین تاریخ شفاهی و نگهداری اسناد بوده باشد. زمانی که افراد مسؤولیت دارند نباید چنین گفت‌وگوهایی را ضبط و ثبت کرد. تاریخ شفاهی برای زمانی است که دوره مسؤولیت فرد به پایان رسیده و از موضوعی که درباره آن سخن گفته می‌شود عبور کرده است، چرا که اگر در حین مسؤولیت با افراد به بهانه تاریخ شفاهی مصاحبه کنند، مواضع آنها همانند فایل منتشرشده از ظریف می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیر حقوقی، سیاسی، امنیتی و اخلاقی داشته باشد که الان سر قضیه این فایل صوتی رخ داده است. وزیر امور خارجه باید به این مساله آگاهی داشته باشد که موضع وی به عنوان یکی از بالاترین مقامات کشور به عنوان یک سند مورد استناد طرف‌های خارجی قرار می‌گیرد.

۲- فارغ از نتایج کوتاه‌مدت اقدامات اینچنینی که می‌توان نشانه‌های آن را در فضای دوقطبی شکل گرفته در جامعه مشاهده کرد، نباید از خوشحالی طرف آمریکایی نسبت به این مساله چشمپوشی کرد. به طور مصداقی آمریکایی‌ها از ۲ وجه اظهارات ظریف خوشحال شدند: یک وجه اینکه بالاترین مقام دیپلماسی کشور، انگشت اتهامش را به سمت سپاه پاسداران بویژه نیروی قدس و سردار شهید سلیمانی که قهرمان ملی ایرانیان است، گرفت. اما وجه دوم به سنخ مشترک نگاه ظریف و دموکرات‌ها به روسیه بازمی‌گردد. همان‌طور که می‌دانید در زمان بایدن، نگاه سیاست خارجه ایالات متحده در حوزه دیدگاه تهدیدمحور به روسیه و تثبیت و توسعه این گفتمان افزایش پیدا کرده است. اینکه وزیر امور خارجه کشور ما با همین گفتمان آمریکایی، روسیه را با نگاه تهدیدمحور مطرح می‌کند، نشان از یک همسویی آشکار به آمریکا دارد. واقعیت آن است که حتی در میانه مذاکرات منتهی به برجام و زمانی که غربی‌ها به ایران تمدید ۵ ساله تحریم تسلیحاتی را تحمیل کردند، روس‌ها مواضع نزدیک به جمهوری اسلامی داشتند و حتی به تیم ایرانی اعتراض کردند که چرا این تحریم را می‌پذیرید. حتی در زمان امضا نیز روس‌ها به تیم ایرانی گوشزد کردند به تیم آمریکایی اعتماد نکنید و پشتوانه حقوقی داشته باشید، بعدها نیز زمانی که ترامپ از برجام خارج شد، روس‌ها از نخستین کسانی بودند که این اقدام را محکوم کردند. در مذاکرات اخیر که در وین در حال برگزاری هست هم شاهد موضع روشن روسیه هستیم که می‌گوید آمریکا باید اول تمام تحریم‌ها را رفع کند بعد وارد مذاکره شود (موضعی منطبق با موضع رسمی جمهوری اسلامی است). سیاست راهبردی تنظیمی پوتین برای همگرایی با جمهوری اسلامی سیاستی ارزشمند است. در همین زمینه شاهد موضع‌گیری سخنگوی وزارت خارجه روسیه بودیم که اظهار داشته بود تنها مواضع صریح مقامات جمهوری اسلامی را مدنظر قرار خواهیم داد. عجیب است که جریان غربگرای حاکم بر دستگاه دیپلماسی وزارت امور خارجه به دنبال ضربه زدن به روابط ایران - روسیه است. آیا این صحبت‌ها غیر از حرکت در جهت فرمان آمریکایی‌هاست؟ در زمانی که روسیه و چین به دنبال ایجاد یک ائتلاف ضدتحریمی هستند، مواضع اینچنینی از سوی وزیر امور خارجه چه نسبتی با منافع ملی دارد؟ ظریف در حالی روسیه را مانعی جدی مقابل برجام می‌داند که در همان ۱+۵ و زمانی که ترویکای اروپا یکی در میان در حال ضربه زدن به ایران بودند، تنها چین و روسیه مقابل استفاده آمریکا از مکانیسم ماشه ایستادگی کردند. همچنین رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه این گاف حقوقی را دادند که در زمان ترامپ، آمریکا همان‌طور که از برجام خارج شده می‌تواند به آن برگردد. در حقوق بین‌الملل کلام اینها هر چند شفاهی باشد، سند محسوب می‌شود. وقتی ترامپ می‌خواست از مکانیسم ماشه استفاده کند، وقتی با اعتراض مواجه می‌شد که عضو برجام نیست به همین صحبت‌ها اشاره می‌کرد. در اینجا روسیه و چین جلوی این تفسیر ایستادند.

۳- بخش دیگری از سخنان وزیر امور خارجه که با واکنش‌های زیادی همراه شده بود، مربوط به بحث ایشان پیرامون «میدان» و «دیپلماسی» بود. دانشجوی سال اول روابط بین‌الملل رابطه میدان و دیپلماسی را می‌داند. این نیاز به بحث نظری ندارد و کاملا مبحث سطح پایین و بدیهی‌ای است. همه می‌دانند اگر قدرت نظامی و بازدارندگی امنیتی نباشد، دیپلماسی به خودی خود هیچ معنا و مفهوم و جایگاهی ندارد. در همین کشورهای اروپایی شما تفاوت بین کشورهایی که توانمندی نظامی و تسلیحاتی دارند با کشورهای دیگر که این توانمندی‌ها را ندارند، می‌بینید. بخشی از اظهارات ظریف را باید به خاطر پس‌زمینه‌های ذهنی ایشان دانست. در روابط بین‌الملل نظریه‌ای هنجاری وجود دارد، این نظریه می‌گوید الیت‌ها آنچه در ذهن‌شان می‌گذرد را نیز در تصمیم‌گیری لحاظ می‌کنند. پیشینه غربی ظریف و نگاه کلی دولت برای ما مشخص است، یا اینکه آقای روحانی در کتاب خود درباره تفاوت بین آمریکا، اتحادیه اروپایی و جنبش عدم تعهد از تفاوت مرسدس بنز، پیکان و دوچرخه مثال می‌آورد موید همین نکته است. دیپلمات کشور باید در راستای منافع ملی ساختار نظام جمهوری اسلامی که توسط رهبر انقلاب تبیین می‌شود، حرکت کند. اگر کسی اینها را قبول ندارد و پیگیر بحث نظری است، جای بحث نظری در دانشگاه است.

۴- نکته بعدی درباره این مصاحبه، بحث تحریف تاریخ است. ظریف در بخشی از این گفت‌وگو ادعا می‌کند اگر برجام نبود پوتین با سردار سلیمانی دیدار نمی‌کرد. طرح چنین موضعی از سوی وزیر امور خارجه تاسف‌آور است، چرا که وی یا روس‌ها و مدل دیپلماسی‌شان را نمی‌شناسد یا به مؤلفه‌های نظامی واقف نیست. برجام چه مؤلفه‌ای برای روس‌ها داشت که بخواهند با سردار سلیمانی ملاقات کنند و به همکاری نظامی در سوریه بپردازند؟ روس‌ها یک پروتکل و تشریفات خیلی خاص برای دیدار با رئیس‌جمهور خود دارند. گاهی حتی برخی رؤسای‌جمهور را نیز آقای پوتین به حضور نمی‌پذیرد. اینکه فرمانده کل قوای کشوری مثل روسیه، یعنی آقای پوتین، که توان نظامی و اطلاعاتی و حوزه نفوذ بسیار بالایی دارد، می‌پذیرد با فرمانده سپاه قدس ما جلسه بگذارد، دلیل اصلی‌اش این است که روس‌ها دیدند سپاه ایران در شرایط خاص داخلی که ایران با آن دست در گریبان است، در کشوری دیگر توانسته عملیات‌های فوق‌العاده‌ای انجام دهد و حضور موثری داشته باشد، لذا ابراز علاقه کردند با این فرمانده نظامی گفت‌وگو داشته باشند تا وارد کار مشترکی برای تبادل تجربیات شوند. این اوج توانمندی نظامی سپاه قدس ما به فرماندهی سردار سلیمانی بوده که طرف روس را تحریک کرده بپذیرد با ما به گفت‌وگو بنشیند. این اتفاق اوج عزت نظامی ما است. این صحبت‌های آقای ظریف کاملا بلاموضوع است. دلیل اصلی این امر جذابیت توانمندی نظامی ایران برای روس‌ها بود. اینکه بگوییم این کار به خاطر برجام بود، توهین به شعور مخاطب است، زیرا هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارد. اگر برجام هم بود و ما این قدرت نظامی و توان میدان را نداشتیم هیچ‌گاه روسیه دست به این عمل نمی‌زد.

اخبار

نامه خانواده شهدای مدافع حرم به ظریف

مجاهدت‌های حاج‌قاسم نبود کسی حاضر به مذاکره با شما نمی‌شد

جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم در نامه‌ای به وزیر امور خارجه تصریح کردند: اگر مجاهدت‌های بی‌وقفه سردار دل‌ها که همراه با تیزهوشی و دشمن‌شناسی منحصر به فرد ایشان صورت گرفت نبود، ایران اسلامی دست برتری در منطقه نداشت که دشمنان این کشور حاضر به مذاکره با جنابعالی شوند. در بخشی از این پیام آمده است: «جناب آقای ظریف، باید به عرض شما برسانیم اگر مجاهدت‌های بی‌وقفه سردار دل‌ها که همراه با تیزهوشی و دشمن‌شناسی منحصر به فرد ایشان صورت گرفت نبود، ایران اسلامی دست برتری در منطقه نداشت که دشمنان این کشور حاضر به مذاکره با جنابعالی به عنوان نماینده دولت قانونی ایران سرفراز شوند. در حقیقت اگر جنابعالی را برای مذاکره به رسمیت شناختند به خاطر قدرتی بود که به وسیله رشادت‌های بی‌نظیر سردار سلیمانی برای شما فراهم شد، چراکه هیچ کشوری حاضر به مذاکره با دیپلمات یک کشور مغلوب و شکست‌خورده نمی‌باشد و شأنی برای نماینده یک کشور مغلوب متصور نیست اما متاسفانه این حقیقت کاملا برخلاف واقعیت در سخنان شما جاری و منعکس شده است اما دریغ از انصاف و مروت در کلام‌تان».

در بخش پایانی این نامه خطاب به وزیر امور خارجه آمده است: «از سر دلسوزی و خیرخواهی به اطلاع شما می‌رسانیم بیان اینگونه سخنان، که کاملا یک‌طرفه و بدون سنجش صحت و سقم آن، از جانب معتمدان و مطلعان نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است، نه از محبوبیت سردار دل‌ها در قلوب مردم کم می‌کند نه سرپوش مناسبی برای عدم توفیقات شما مهیا می‌نماید. در نتیجه راه مناسب برای کسب محبوبیت درس گرفتن از راه و رسم مردانگی سردار سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی می‌باشد که مردم‌داری واقعی را در عمل به منصه ظهور رساند».

■■■

محمداسماعیل کوثری:

ما نفع مذاکره را برای مردم می‌خواهیم آنها برای انتخابات

اسماعیل کوثری، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم در پاسخ به سوالی پیرامون دوگانه مذاکره و مقاومت گفت: همه مردم می‌دانند که نیروهای انقلابی مخالف مذاکره نبوده و نیستند اما ما می‌گوییم مذاکره باید منافع ملت را تأمین کند نه منافع انتخاباتی جناح سیاسی‌مان را. می‌خواهند بگویند ما مخالف توافق هستیم؛ خب خودشان بگویند مگر توافق نکردند برای لغو تحریم‌ها، چرا تحریم‌ها لغو نشد؟ اتفاقا لغو همه تحریم‌ها مطالبه جدی ما است چون حق مردم است اما اینکه برخی بخواهند با سیاسی‌کاری و بازی با کلمات و با اهداف انتخاباتی بحث مذاکره را مطرح کنند، ظلم به مردم است و ما چنین ظلمی را قبول نداریم. حرف نیروی انقلابی این است که باید در مذاکرات وین، همه تحریم‌ها لغو شود. منظور از همه تحریم‌ها، تحریم‌های غیرهسته‌ای و حقوق‌بشری هم هست. بالاخره این تحریم‌ها به بهانه‌های واهی وضع شده و حالا می‌گویند ایران باید تعهدات خود را اجرا کند، طبیعی است آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها نیز باید قبول کنند که همه تحریم‌ها لغو شود. همچنین در ادامه این گفت‌وگو، وی درباره کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری اشاره کرد: بنده مسائل مرتبط با جریان انقلاب را رصد می‌کنم؛ فعلا نزدیک به ۳۰ نفر از نیروهای انقلابی برای کاندیداتوری اعلام آمادگی کرده‌اند که به نظر اکثر آنها برای مدیریت کشور توانمند هستند؛ منتها باید صبر کنیم تا نظر شورای نگهبان اعلام شود و بعد از مشخص شدن تایید صلاحیت‌ها، ببینیم کدام گزینه برای مدیریت کشور مناسب‌تر است.

■■■

ارجاع پرونده افراد معترض به رد صلاحیت به هیأت نظارت

رئیس هیات عالی نظارت بر انتخابات شوراها گفت: بیش از ۸۰۰ نفر از کسانی که به رد صلاحیت خود توسط هیأت‌های اجرایی اعتراض داشتند تاکنون با مراجعه به هیات عالی شکایت خود را ثبت کرده‌اند. وی افزود: فردا آخرین روزی است که افراد می‌توانند با حضور در هیات عالی نظارت بر انتخابات اعتراض خود را نسبت به رد صلاحیت خود ثبت کنند و پس از آن بررسی‌ها توسط هیات ۳ نفره آغاز می‌شود. احمد نادری همچنین گفت: از صبح ۱۳ اردیبهشت، ۱۰ روز زمان برای بررسی نظر هیأت‌های اجرایی و دلایل داوطلبان صرف خواهد شد و پس از آن نظر نهایی به فرمانداری اعلام خواهد شد و فرمانداری نتیجه را به داوطلبان منتقل خواهد کرد. نماینده مردم تهران در مجلس خاطرنشان کرد: روزانه حدود ۳۰۰ نفر مراجعه کرده و اعتراض خود را ثبت می‌کنند، البته ما به حدود ۸۰درصد مواردی که توسط هیأت‌های اجرایی رد صلاحیت شده بودند در همان زمان روند بررسی رسیدگی کردیم اما بر اساس قانون، مجدد این اعتراضات را واکاوی خواهیم کرد.

■■■

انهدام گروه معاند «هبوط ایران» در آذربایجان شرقی

سازمان اطلاعات سپاه عاشورای آذربایجان شرقی در اطلاعیه‌ای از شناسایی و متلاشی کردن گروه معاند «هبوط ایران» در آذربایجان شرقی خبر داد. بر اساس این اطلاعیه، «هبوط ایران» گروهی است که از دی‌ماه ۹۶ اعلام موجودیت کرد تا بتواند با استفاده از ظرفیت گروه‌های مختلف برانداز و موج‌سواری روی مشکلات صنفی و معیشتی مردم، به زعم خود، براندازی در ایران را محقق کند. سلطنت‌طلبان، اصلی‌ترین حامی این گروه بودند که با تکیه بر دولت‌های غربی و عربستان برنامه‌های خود را در ایران اجرایی می‌کردند. یکی از ترفندهای رسانه‌ای این جریان استفاده از فریب‌خوردگان و عناصر داخل کشور برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی بود که این افراد با شکل و شمایل مختلف بویژه در لباس نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران جلوی دوربین حاضر می‌شدند و خود را یک نظامی جدا شده معرفی کرده و با قرائت بیانیه‌ها و فراخوان‌ها، مردم را به شورش خیابانی دعوت می‌کردند. پاسداران گمنام امام زمان(عج) در سازمان اطلاعات سپاه با عملیاتی پیچیده، سرکردگان این گروه معاند را در آذربایجان شرقی شناسایی و متلاشی کردند و ضربه نهایی را به آنها وارد کردند.